



بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات

دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی
دکتر سیدعلی حسینی‌زاده

تابستان ۱۳۹۱

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی

بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات / محمدعلی حاجی ده‌آبادی؛ سیدعلی حسینی‌زاده. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، ۱۳۸۵.

شش، ۲۰۹ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۱۰. علوم تربیتی؛ ۱۹)

ISBN: 978-964-7788-59-5

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۱۸۷ - ۱۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

چ ۲: ۸۶، چ ۳: ۸۶، چ ۴: ۸۷، چ ۵: ۸۸، چ ۶: ۹۰، چ ۷: ۹۱، چ ۸: ۹۱، بها: ۳۴۰۰۰ ریال.

۱. جوانان و اسلام. ۲. جوانان - احادیث. ۳. جوانان - جنبه‌های اخلاقی. الف. حسینی‌زاده، سیدعلی،

۱۳۴۳ - نویسنده همکار. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران،

مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، د. عنوان.

۲۹۷ / ۴۸۳

۴ ب ۱۷ ح / Bp ۲۳۰

م ۸۵ - ۲۹۸۹۷

کتابخانه ملی ایران



مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران
سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران



بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات

مؤلفان: دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی و دکتر سیدعلی حسینی‌زاده

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۱۰؛ علوم تربیتی: ۱۹)

ناشر همکار: سازمان فرهنگی - هنری شهر تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ هشتم: تابستان ۱۳۹۱ (چاپ هفتم: بهار ۱۳۹۱)

تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۳۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۰۲۸۰۳۰۹۰

ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰ و ۰۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهشها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تألیف شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاشهای مؤلفان محترم، آقایان محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی و سیدعلی حسینی‌زاده و نیز از حجج‌الاسلام، عباسعلی شاملی، محمود نوذری، محمد داودی و مجید طرقی، که با ارائه نظریات خود بر غنای این اثر افزوده‌اند سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
بخش اول: تحلیل روایات جوان	
فصل اول: نگرش یک مسلمان به نوجوان باید چگونه باشد؟	۷
مقدمه	۷
مبحث اول: مفهوم، کارکرد و اهمیت نگرش	۸
۱. مفهوم نگرش	۸
۲. اهمیت و کارکرد نگرش	۸
۳. جوان در نگرش غیراسلامی	۱۱
مبحث دوم: جوان کیست؟	۱۴
۱. جوان، شیرین ترین آفرینش خداوندی	۱۵
۲. جوانی، فضیلت ناشناخته	۱۶
۳. جوانی، فرصتی مغتنم	۱۷
۴. بهره‌مندی از جوانی، دعای پیامبر(ص)	۱۸
۵. جوان دیندار، مایه فخر و مباهات خداوند	۱۹
۶. جوانی آغاز دوره تکلیف و مسئولیت‌پذیری	۱۹
۷. پرسش ویژه از دوره جوانی در روز واپسین	۲۰
۸. خوب‌ها و خوبی‌ها در چهره جوانی	۲۱
۹. جوانان خوش خلق گنج‌های نهفته اجتماع	۲۲
۱۰. جوان، مشمول لطف و رحمت خداوند	۲۴
مبحث سوم: مهم‌ترین ویژگی‌های دوره جوانی از دیدگاه اسلام	۲۶
۱. ضمیری بسیار پذیرا و مستعد	۲۷
۲. تنش‌های روانی شدید	۲۸
۳. گرایش به دین و معنویت	۳۰
۴. جوان سرشار از نیروی جسمی	۳۴
۵. جوان، برخوردار از استعدادها و توانایی‌های عقلی و ادراکی زیاد	۳۶
۶. جوان و علم و دانش اندک	۳۷
۷. حساسیت و زودرنجی جوان	۳۹

۴۰	۸. زیباخواهی و زیبایی جویی جوان
۴۱	۹ و ۱۰. استقلال خواهی و مشارکت جویی جوان
۴۲	۱۱. نرم دلی و انعطاف پذیری جوان
۴۳	۱۲. آرزومندی جوان
۴۴	نتیجه گیری
۴۵	فصل دوم: اصول و روش های تربیت نوجوان و جوان
۴۵	مقدمه
۴۶	الف - اصول ناظر به ایجاد و تقویت رفتارهای پسندیده
۵۸	ب - اصول ناظر به اصلاح بینش ها، احساس ها و رفتارهای ناپسند
۷۸	فصل سوم: محتوای آموزشی جوانان
۷۸	مقدمه
۷۹	۱. خودشناسی
۸۱	۲. آموزش قوانین مدنی و اجتماعی و...
۸۵	۳. اعطای بینش و آگاهی دادن نسبت به جریان های اجتماعی
۸۷	۴. ارائه آگاهی ها و آموزش های لازم برای تقویت و پرورش جسم و سلامتی بدنی
۸۹	۵. آموزش های لازم برای بهسازی ارتباط با والدین
۹۸	۶. آموزش معارف دینی و اهتمام به پرورش دینی و معنوی جوانان
۱۰۵	۷. آموزش مفاهیم و قواعد اخلاقی
۱۱۰	۸. آموزش های جنسی

بخش دوم: مجموعه روایات

۱۱۹	فصل اول: اهمیت و ارزش جوانی
۱۲۴	فصل دوم: ویژگی های جوان و جوانی
۱۳۸	فصل سوم: اصول تربیت جوان
۱۵۲	فصل چهارم: روش های تربیت جوان
۱۶۵	فصل پنجم: مسئولیت جوان و والدین
۱۶۸	فصل ششم: نگرش عمومی جامعه به جوان
۱۷۰	فصل هفتم: محتوای آموزش جوانان
۱۷۲	فصل هشتم: حیطه های تربیتی
۱۷۸	فصل نهم: جوانی نفس
۱۷۹	فصل دهم: آسیب شناسی تربیت جوان
۱۸۷	فهرست منابع
۱۹۳	نمایه

مقدمه

آنچه در پیش روی دارید، مجموعه مباحثی تربیتی درباره جوانان است که عمده آن بر تجزیه و تحلیل سیره و گفتار معصومین(ع) استوار است. در تبیین اندیشه‌های تربیتی اسلام رویکردها و گرایش‌های گوناگونی به چشم می‌خورد؛ برخی می‌کوشند تا با طرح دیدگاه‌های نوین تعلیم و تربیت، شواهد و مؤیداتی از متون دینی برای آن‌ها ارائه کنند؛ برخی دیگر بیشتر توجه خود را به گزاره‌ها و آموزه‌های دینی معطوف داشته‌اند، ولی کم‌تر تحلیل و تبیینی از این گزاره‌ها به عمل آورده‌اند؛ برخی نیز از نگاه تخصصی و دقیق به این مهم فاصله گرفته و مباحث خود را در قالب تبیین‌های عامیانه و عرفی، ارائه کرده‌اند، نه به زبان علمی، عمیق و مستدل.

در این کتاب کوشش شده است تا در طرح مباحث تربیت اسلامی رویکردی ارائه شود که دست‌کم از رویکردهای دیگر متفاوت باشد؛ البته مدعی نیستیم که چنین رویکردی به طور کامل نوآمد است، ولی از جهت موضوع بحث، یعنی نوجوان و جوان، مدعی نوآوری هستیم. موارد زیر این نوآوری را تقویت می‌کند:

در رویکرد حاکم بر این کتاب، اصل بر بهره‌گیری از متون دینی و سعی بر این است که نخست به قدر وسع، تمامی گزاره‌های مرتبط با یک موضوع از متون دینی استخراج شود؛ آنگاه نوبت به «برداشت‌ها» می‌رسد. در این باره، آنچه تاکنون به گونه‌ای بایسته و شایسته مورد توجه قرار نگرفته، کوشش در جهت دریافت و استخراج پیام‌ها و برداشت‌های متعدد از یک گزاره و بسنده نکردن به مدلول مطابقی است. به باور ما، در کتاب‌های تربیتی موجود به برداشت محدود و اندک از متون دینی بسنده شده و خلاقیت لازم در استخراج تمامی مدلول‌های روایات به عمل نیامده است. این امر، به معنای تحمیل یک نظر و ایده بر متن

دینی نیست، بلکه به معنای دقت نظر در دریافت هرچه بیشتر مدلول‌ها و پیام‌های گزاره است؛ البته بدون شک در مرحله بررسی و ارزش‌یابی این مدلول‌ها جای دقت و تأمل‌های فقهی و روایی وجود دارد و باید همچنان از اصول و قواعد معتبر دانش درایه و پیش‌نیازهای فهم اجتهادی روایات بهره گرفت، ولی نباید هر نوع برداشت و پیام ضعیف و سست را، هر چند دلنشین باشد، به عنوان پیام دینی به مخاطب ارائه کرد. ما می‌کوشیم تا بیشترین مدلول و برداشت را که می‌توان از گزاره‌های دینی درباره جوانان استفاده کرد، ارائه کنیم و پس از آن، به یافتن نسبت و ربط و ارتباط پیام‌ها و مدلول‌های گزاره‌های دینی می‌پردازیم. شیوه و قاعده در این جا همان شیوه و قاعده حاکم در فهم حدیث است و البته هر راهی جز این راه خطاست. در پایان این فرایند نیز نتیجه این مباحث را در قالب و ساختاری مناسب که توضیح آن خواهد آمد، عرضه داشته‌ایم.

اما درباره اهمیت و ضرورت این بحث، شاید جای کم‌تر تردیدی نباشد؛ زیرا - افزون بر این‌که این مبحث خود یکی از حوزه‌های مباحث تربیتی است که تاکنون کار جدی و درخور توجهی درباره آن صورت نگرفته - جمعیت بسیار زیاد جوان کشور و مطالبات و خواسته‌های آن‌ها ضرورت برنامه‌ریزی برای تربیت و هدایت آن‌ها را یکی از مسائل اصلی کشور قرار داده است. بدون شک استخراج اندیشه‌های اسلامی می‌تواند در جهت‌دهی صحیح به برنامه‌ها و روش‌ها و سیاست‌گذاری‌های تربیتی و فرهنگی متناسب با شأن جوانان و غنابخشی به آن‌ها مفید و سودمند باشد.

مطالب این کتاب در دو بخش ارائه خواهد شد:

بخش اول: مباحثی درباره تربیت جوانان و نوجوانان را در بردارد که نوعی نظام‌بخشی به پیام روایات و برداشت‌های ما از آن‌ها و ربط و ارتباط منطقی میان آن‌هاست. مطالب این بخش در سه فصل ارائه می‌شود:

فصل نخست، «نگرش اسلام به جوان» طرح شده است. در این باره، با استفاده از توصیف‌هایی که درباره جوان و جوانان در متون دینی بیان شده و نیز ویژگی‌هایی که برای دوره جوانی ارائه گردیده است، کوشیده‌ایم تا تصویری کوتاه از نگرش اسلام به جوان را به نمایش گذاریم.

در فصل دوم به بررسی «اصول و روش‌های تربیت جوانان» از منظر متون دینی پرداخته و از دو دسته اصول بحث شده است: **دسته اول**، اصولی است که در مقام هدایت جوانان به سوی رفتارها و خصلت‌های نیک و عقاید صواب باید بدان‌ها توجه شود. و **دسته دوم**،

اصولی است که در مقام بازداشتن جوانان از افکار و رفتارهای ناشایست باید مورد توجه قرار گیرند.

فصل سوم پاسخی است به این پرسش که «چه اموری را باید به جوانان آموزش داد؟»، که با عنوان «محتوای آموزشی و تربیتی برای جوانان» ارائه می‌شود و در آن از شش محتوای عمده که به تربیت انسان در ابعاد مختلف ناظر است، سخن به میان خواهد آمد. در بخش دوم، مجموعه روایات جوان به همراه ترجمه فارسی و برداشت‌هایی که می‌توان از مدلول مطابقی، تضمینی و یا التزامی آن‌ها داشت، ارائه خواهد شد. امید است این کوشش ناچیز مورد قبول حضرت بقیة الله الاعظم و مورد استفاده دوستان تربیت اسلامی، به ویژه نوجوانان و جوانان، قرار گیرد.

محمدعلی حاجی ده‌آبادی

سید علی حسینی‌زاده

بخش اول

تحليل روايات جوان

فصل اول

نگرش یک مسلمان به نوجوان باید چگونه باشد؟

مقدمه

نوع رفتارها و شیوه برخورد و رویارویی ما با نوجوانان و احساساتی که نسبت به آنها داریم، برخاسته از نوع نگرش ما به آنان است، و نگرش ما نیز بر بینش‌ها و باورهای مبتنی می‌باشد که به شیوه‌های گوناگون و از منابع مختلف به دست می‌آید. مکتب حیات‌بخش اسلام نگرش ویژه‌ای را درباره پدیده‌های جهان هستی به ما ارائه می‌دهد، و انسان به عنوان خلیفه‌الله جایگاه ممتاز و سرآمدی در میان همه پدیده‌ها دارد، به گونه‌ای که حتی ارزشی والاتر از فرشتگان یافته و مسجود آنها قرار گرفته است. نگرش اسلام به انسان به طور کلی و بدون در نظر گرفتن مقطعی خاص از زندگی وی، با نگرش آن به انسان به عنوان یک کودک، نوجوانان، جوان و یا بزرگسال همخوان و سازگار است، و آشنایی ما با نگرش اسلام و آموزه‌هایی که این مکتب درباره انسان به طور کلی و نگرشی که ناظر به هر مرحله از رشد او ارائه کرده است، از جمله امور ضروری به شمار می‌رود؛ زیرا انسان افزون بر نقشی که در تکامل معنوی خود دارد - در برابر انسان‌های دیگر در هر مقطع سنی نیز وظایف و مسئولیت‌های خاصی دارد و وقتی از عهده این مسئولیت‌ها بر خواهد آمد که با نگرش اسلام آشنا باشد و توصیه‌های آن را در زندگی به کار بندد.

آنچه در این فصل ارائه می‌شود، تبیین نگرش اسلام به نوجوانان و جوانان می‌باشد که از رهگذر سخنان و سیره معصومان و با تأمل در آیات الهی استخراج شده است. در این فصل، پس از توضیحی کوتاه درباره مفهوم نگرش و کارکردهای آن، نخست به اختصار نگرش غیر اسلامی به جوانان بیان گردیده و سپس در دو مبحث، در جستجوی نگرش اسلامی به نوجوانان برآمده‌ایم. این دو مبحث، یکی اهمیت و ارزش دوره نوجوانی و جوانی از نظر اسلام، و دیگری ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد این دو دوره است.

مبحث اول: مفهوم، کارکرد و اهمیت نگرش

۱. مفهوم نگرش

وقتی سخن از «نگرش» یک فرد یا یک مکتب نسبت به شیء یا پدیده‌ای خاص در میان است، تنها اعتقاد و شناخت آن فرد و نوع دیدگاه آن مکتب نسبت به آن شیء یا پدیده موردنظر نیست، بلکه افزون بر این، احساسات و عواطف و نیز نوع تعامل و کنشی که نسبت به آن پدیده دارد نیز موردنظر است. بیشتر روان‌شناسان اجتماعی، نگرش را نظامی بادوام و سه عنصری، یعنی عناصر شناختی، احساسی و تمایل به عمل (عنصر رفتاری) می‌دانند؛^۱ از این رو، برای کشف نگرش یک فرد یا یک مکتب به انسان، باید افزون بر دیدگاه‌ها، نظریات و تعالیم آن فرد یا مکتب در توصیف ماهیت، هویت و چیستی انسان، از احساسات و عواطف و نوع و میزان تعلق یا عدم تعلق خاطر و دل‌بستگی یا انزجار آن فرد و مکتب نسبت به انسان و نحوه رفتار و تعاملی که با وی در پیش گرفته، یا توصیه کرده‌اند نیز آگاه شد. بدون شک میزان همخوانی و تناسب سه عنصر یاد شده می‌تواند در نوع ارزش‌یابی ما از آن نگرش مؤثر باشد؛ چنان‌که این نگرش می‌تواند ما را به پایه‌های اساسی نظام تربیتی خاص آن مکتب نزدیک سازد.

متأسفانه در بیشتر پژوهش‌هایی که تاکنون درباره جوان از نظر اسلام انجام گرفته، این مسئله به خوبی کاویده نشده است و حتی می‌توان ادعا کرد که با این نگاه و از این زاویه به مقوله جوانی نگاه نشده است، بلکه نگاه‌های به جوان بیشتر به صورت پراکنده و از زاویه رفتاری می‌باشد.

۲. اهمیت و کارکرد نگرش

به اعتقاد ما، آنچه از نظر اسلامی به ویژه در مورد مقوله‌های تربیتی اهمیت دارد، حرکت از زاویه نگرشی است؛ از این منظر، افزون بر این‌که می‌توان به سازواری عناصر نظام تربیتی اسلام در خصوص کودکان و نوجوانان پی برد، می‌توان از آن در تفسیر هر یک از این عناصر و نیز نقد روش‌های تربیتی رایج در جوامع اسلامی کمک گرفت؛ برای مثال، اگر از دیدگاه اسلام، فرزند گلی از گل‌های بهشت و عطیه خداوندی است، به سادگی می‌توان به عناصر دیگر این نظام مانند داشتن علاقه قلبی و محبت به او (احساس)، پرهیز از تنبیه و اعمال

۱. کریمی، یوسف؛ روان‌شناسی اجتماعی، ص ۲۹۵.

خشونت نسبت به او جز در موارد معدود آن هم با رعایت حال کودک، و حتی مسائلی حقوقی و فقهی همچون حق ارث کودک پی برد؛ از این رو، نگرش جاهلی بهره‌بری کودکان نابالغ از میراث را بر نمی‌تافت، زیرا هیچ نفع مهمی از آنان برای خود تصور نمی‌کرد. مفسران نوشته‌اند وقتی آیه «سهم الارث» [وَأَلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ أَوْلَادِنِ] نازل شد، برخی اعراب برآشفتند و خدمت پیامبر(ص) شرفیاب شده، عرض کردند: «ای پیامبر خدا! آیا بچه‌هایی که به سن بلوغ نرسیده‌اند، باید از ارث بهره ببرند؟! در حالی که نه می‌جنگند و نه غنیمت جمع می‌کنند؟!» پیامبر اکرم(ص) فرمود: «این دستور الهی است».^۲

از زاویه تحلیلی نگرش اسلام به نوجوان می‌توان دریافت که هیچ‌گاه مقصود اسلام از تعزیر کودک و نوجوان با تعزیری که برای بزرگسالان تجویز شده است، ماهیتی یکسان و برابر ندارد، بلکه تعزیر کودک و نوجوان بیشتر نوعی تنبیه در حد آنچه در عرف خانواده‌ها و جوامع برای تأدیب رفتارهای کودکان تجویز می‌شود، می‌باشد، نه ضربات شلاقی که بر بدن مجرم بزرگسال و بالغ زده می‌شود؛ زیرا بر خلاف بزرگسال، نوجوانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده، در برابر رفتار خویش مسئولیت جزایی ندارد.^۳ برخورد سهل‌گیرانه‌تر و آسان‌تر با برخی خطاها و انحراف‌های جوانان نیز از اهمیت حفظ این سرمایه‌های ارزشمند اجتماعی و حتی المقدور پرهیز از برخوردهای سخت و خشن جهت نگاه‌داشت هرچه بیشتر آن‌ها در پیوند با اجتماع حکایت دارد.^۴

اهمیت بحث و بررسی درباره کشف، تبیین و ارائه نگرش صحیح اسلام به مقوله‌ای مانند جوان و جوانی را باید در تأثیرها و کارکردهای بسیار مهمی که این نگرش بر روحيات، احساسات، بینش‌ها، رفتارها و در یک کلمه شخصیت نوجوان و جوان بر جای می‌گذارد، جستجو کرد. در واقع، نوع نگرش ما به جوانان است که فرصت‌های لازم برای رشد و تکامل و تعالی روحی و معنوی آنان را فراهم می‌سازد؛ جایگاه، نقش و وظایف آن‌ها در اجتماع و نوع انتظاری که از آن‌ها می‌رود، مشخص می‌سازد؛ آن‌ها را برای پذیرش مسئولیت‌های

۱. نساء، ۱۲۷.

۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۵۸۸.

۳. در این زمینه رک به جعفری، محمدتقی؛ رسائل فقهی، مقاله مسئولیت مدنی ناشی از جرم کودکان بزهکار، ص ۲۶۹-۲۷۰.

۴. در روایت است که امیرالمؤمنین(ع) از مجازات یک جوان دزد، به سبب آنکه سوره بقره را می‌دانست گذشت و به او فرمود: انی اراک شاباً لا بأس بهتک فهل تقرأ شیئاً من القرآن؟ قال. نعم، سورة البقرة. فقال: قد وهبت یدک لسورة البقرة (حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۸۸).

خطیر اجتماعی، دینی، اخلاقی، خانوادگی و... آماده می‌کند و یا بر عکس، آن‌ها را از پذیرش این‌گونه مسئولیت‌ها گریزان و متنفر می‌سازد؛ هویت ویژه‌ای به آنان می‌بخشد؛ و جز این‌ها.

دنیای امروز و فردای جوان و نیز واقعیت‌های امروز و فردای جامعه مرهون نوع نگرش غالب جامعه به جوانان است. همان‌گونه جامعه‌پذیری و ایفای نقش فعال اجتماعی و رعایت هنجارها و قواعد زندگی جمعی و تن دادن به آداب، سنن و تکالیف دینی از سوی جوانان محصول رویکرد یا نگرش غالب جامعه به این قشر است، جامعه‌ستیزی جوانان و فاصله‌گرفتن از هنجارها و پاس‌نداشتن تکالیف اجتماعی و دینی و زیر پا گذاشتن آداب و سنن اجتماعی نیز معلول نگرش غالب رایج در یک جامعه است؛ البته این سخن به معنای نفی اراده فرد و نقشی که او می‌تواند در سعادت و کمال خویش ایفا کند، نیست. انسان مجبور و مقهور اجتماع نیست؛ ولی این یک واقعیت است که سهم اجتماع در شکل‌گیری شخصیت آدمی به حدی است که حتی در چگونگی شکل‌گیری اراده او نیز سهم می‌باشد و خط‌کشی و تمایز میان سهم فرد و اجتماع بسیار دشوار است. در واقع، جوانان خود را در آینه رفتار، باور و احساسی که دیگران نسبت به آن‌ها دارند، می‌بینند. هویت نوجوان و احساسی که او نسبت به خود پیدا می‌کند، در ارتباط تنگاتنگ با دیدگاه‌های اجتماعی و به ویژه والدین و همسالان نسبت به او، میزان صمیمیت و رفاقت آنان با او، امکان و میزان مشارکتی که در کارها به او می‌دهند و نوع همکاری و رقابتی است که بین او و دیگران وجود دارد.^۱

اهمیت نوع نگرش رایج در یک جامعه نسبت به جوانان به حدی است که حتی در ذهنیت پژوهندگان و محققان آن اجتماع نیز تأثیر می‌گذارد. درست است که امروزه از جمله مسائل لازم و ضروری برای محققان و دانشمندان در انجام تحقیقات علمی، نداشتن پیش‌زمینه‌های فکری و نگرش خاص به مسائل مورد پژوهش است، زیرا در غیر این صورت، پژوهشگر به جای آن‌که دنبال یافتن حقیقت باشد، در پی اثبات ذهنیت خویش است - ولی سخن در این است که حقیقتاً تا چه میزان یک پژوهشگر می‌تواند خود را از نگرش‌هایی که از بدو تولد با عمق جان و روح خویش احساس کرده و در او نهادینه شده است، جدا سازد؟!!

۱. ر.ک: لطف آبادی، حسین؛ روان‌شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، فصل ششم.

بالا تر از این، پژوهشگران امروزه بر نقش و تأثیر بسیار مهمی که نگرش غالب جامعه به جوانان در برنامه‌ریزی‌های سیاسی و آموزشی و پرورشی و فرهنگی می‌تواند داشته باشد، تأکید فراوان دارند. اگر این نگرش‌ها بر صواب نباشد، نتیجه‌ای جز یک ارتباط تصنعی و صوری با جوانان به دنبال نخواهد داشت؛ ارتباطی که هیچ راهی میان این قشر عظیم اجتماعی و حکومت، به عنوان مدیریت جامعه باز نمی‌کند، بلکه به تنش‌ها و تضادها و فرسوده شدن فرهنگ و کیان آن جامعه کمک می‌نماید!

آنچه در این پژوهش ارائه می‌شود، تلاشی در جهت بازخوانی دقیق نگرش اسلام به جوان و جوانی است، و از آن‌جا که آگاهی از نگرش‌های دیگر راه را بر فهم بهتر نگرش اسلام می‌گشاید، اشاره اجمالی به آن‌ها مفید به نظر می‌رسد.

۳. جوان در نگرش غیراسلامی

مطالعه متونی که از دیرباز تاکنون در زمینه نوجوانی و جوانی نگاشته شده است، حکایت از آن دارد که همواره نوعی نگرش بدبینانه نسبت به این قشر وجود داشته است. تصویری که از نوجوان و جوان ارائه شده، آن‌ها را موجودی مزاحم، هنجارشکن، فاسد، سرکش، عاصی، طغیان‌گر و ناپاک معرفی می‌کند و یا دست‌کم تصویری مثبت از آن‌ها ارائه نمی‌دهد. در این‌جا نمونه‌هایی از این نگرش‌ها ارائه می‌شود:

- «هاریس»^۱ - شاعر و خطیب روم - گفته است: «فاسدتر از دوران اجداد ما دوران پدران ما بود، ما پسران ایشان به مراتب از آنان ناپاک‌تریم. ما نیز به نوبه خود فرزندانمان باز هم فاسدتر به جهان خواهیم آورد!»^۲

- «راجرز»^۳ در کتاب روان‌شناسی نوجوانی می‌نویسد: «سقراط جوانان زمان خود را افرادی معرفی می‌کند که به جای خدمت به والدین خود، همانند یاغیان به بزرگ‌ترها و ولی‌نعمتان خود بی‌حرمتی می‌کنند. سقراط می‌گوید: جوانان فاقد منش هستند و موقعی که والدین و بزرگ‌ترها به اتاق وارد می‌شوند، حتی از جای خود بر نمی‌خیزند. هنگام صحبت نیز با مخاطب خود بی‌ادبانه حرف می‌زنند، غذای سرمیز را حریصانه از یکدیگر می‌قاپند،

1. Horace.

۲. معیری، محمدطاهر؛ بچه‌های خوب، پرورش بد، ص ۴۱۶.

3. Rogers.

پاهایشان را روی یکدیگر می‌اندازند و نسبت به معلمان خود نیز برخورد ظالمانه دارند.^۱
- بر یک لوحه باستانی متعلق به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در شهر اور^۲ که از مراکز تمدن سومری و به گفته تورات زادگاه ابراهیم خلیل (ع) بوده، چنین حک شده است: «اگر اجازه دهیم اعمال بی سابقه نسل‌های جوان‌تر ما ادامه یابد، تمدن و فرهنگ ما محکوم به نابودی است».^۳

- عرب جاهلی نیز نگرش‌های بسیار نادرستی نسبت به کودکان و نوجوانان داشت و کوشش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) بر این بود تا این نگرش‌های نادرست را اصلاح کنند. نمونه‌های فراوانی در این زمینه در متون اسلامی وجود دارد که تنها به بیان یک نمونه آن بسنده می‌کنیم: حسن بصری که از جمله بزرگان عرب در عصر اول اسلام است، روزی چنین گفت: «بئس الشی الولد، ان عاش کذّبی و ان مات هدّتی؛^۴ فرزند چه بد چیزی است، اگر زنده بماند مایه عذاب و ناراحتی است و اگر بمیرد زندگی مرا تهدید به نابودی می‌کند».

این سخن به گوش امام زین‌العابدین (ع) رسید. امام (ع) فرمود: «کذب والله! نعم الشی الولد ان عاش فدعاء حاضر و ان مات فشفیع سابق؛^۵ فرزند چه چیز بسیار خوبی است، اگر زنده بماند خود دعاکننده‌ای حاضر و آماده برای والدین است و اگر بمیرد شفیع است که از پیش برای آن‌ها فرستاده شده است».

در غالب نام‌گذاری‌هایی که از سوی روان‌شناسان برای این دوره صورت گرفته است، این نگرش منفی به چشم می‌خورد و چنان‌که در آینده توضیح خواهیم داد، از جمله وجوه تمایز نگرش اسلام با مکاتب و نظریه‌های روان‌شناسی در همین نوع نام‌گذاری است.

متأسفانه به سبب نهضت ترجمه و سیطره علمی غرب و خودباختگی ما، ذهنیت غالب پژوهشگران و متصدیان امور جوانان تا چندین سال قبل، اگر نگوییم ذهنیتی منفی بوده، دست‌کم مثبت نبوده است.^۶ البته درست است که نهضت علمی غرب زوایای نوینی از دانش و شناخت ابعاد وجودی و رفتاری انسان را بر ما آشکار کرده و نهضت ترجمه متون غربی فواید مهمی در نشر و گسترش دانش داشته است. اما اولاً: مبانی نظری نهضت علمی

۱. لطف‌آبادی، حسین؛ روان‌شناسی رشد (۲)، ص ۱۸۴.

2. ur.

۳. طالبان، محمدرضا؛ دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، ص ۳.

۴. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۸۹. ۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۳۲.

۶. در زمینه تأثیر این امر، ر.ک: لطف‌آبادی، روان‌شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، ج ۱، ص ۸۱-۱۸۰ و نیز ص ۳۸۰.

غرب و اندیشه‌های روان‌شناسی ظهور یافته در آن حوزه، با مبانی نظری اسلامی همخوانی ندارد و اشکالات جدی و اساسی بر آن وارد است؛ **ثانیاً**: نهضت ترجمه عمدتاً با عدم نقد و تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌ها و آرای اندیشمندان غرب همراه بوده است.

ذهنیت پژوهشگران ما در این موضوع نیز بر همان رویه غالب در جوامع غربی شکل گرفته است. عدم آشنایی کافی بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان با عمق دیدگاه‌های اسلام و کم‌اهمیت شمردن مباحث دینی در این حوزه‌ها و گاه بی‌اعتنایی به آن‌ها، به همراه سستی و سهل‌انگاری مجامع دینی و حوزوی در ارائه تحلیل دقیق، جامع و متقن آموزه‌های اسلامی و بسنده کردن به احکام فقهی محض، راه را بر این وضعیت هموارتر کرده است؛ البته همواره بوده‌اند کسانی در حوزه و دانشگاه که هیچ‌گاه مقهور جو غالب آن نشده و از باب سنت‌شکنی در این حوزه‌های بسیار مهم تربیتی گام نهاده‌اند. خوشبختانه به مدد پیروزی انقلاب اسلامی و فضای نوینی که در ایران اسلامی ایجاد شد، پژوهشگرانی از حوزه و دانشگاه کوشیدند تا دیدگاه‌های اسلام را در حوزه‌های تربیتی و به ویژه در سنین کودکی و جوانی بررسی کنند که البته هنوز در گام‌های نخست آن است.

به هر حال، غالب جامعه ما، اعم از عوام و خواص، در دهه گذشته و حتی تا حدی در عصر حاضر نگرشی مثبت به جوان و رفتارهای او نداشته‌اند. متأسفانه برخی صاحب‌نظران مذهبی یا دست‌کم افراد مقید به ظواهر مذهبی نیز با نگرش منفی، رفتارهای جوانان را تفسیر و تحلیل می‌کرده‌اند و کم‌تر حرکت مثبتی از جانب جوانان بوده است که زیر این تیغ تحلیل منفی قرار نگیرد و با تفسیر مثبت و دلنشین و دست‌کم بی‌طرفانه‌ای از جانب نویسندگان، وعاظ و خطبای مذهبی و مربیان همراه باشد؛ تا آن‌جا که حضور قشر عظیم نوجوان و جوان در مراسم عزاداری و هیئات مذهبی و چرخاندن علم‌ها و اموری از این دست نیز بعضاً به ریاکاری و قدرت‌نمایی بدنی تفسیر می‌شود. بدیهی است این نگرش‌های منفی جدا از آن‌که قشر عظیم، فعال، پرتوان و پرتحرک جامعه را از بدنه آن جدا می‌سازد و قدرت و توان جامعه اسلامی را به تحلیل می‌برد، نوعی بدبینی و بی‌هویتی^۱ را به جوانان القا می‌کند که این خود زمینه‌ساز شکل‌گیری انحراف‌های فکری و اخلاقی و ناهنجاری‌های رفتاری در آنان می‌شود و شخصیت آنان را با آسیب‌های جدی فراوانی مواجه می‌سازد.

به نظر ما، علت این وضعیت را باید در «دور شدن ما از فهم دقیق آموزه‌های دینی» و

۱. بدیهی است مراد از بی‌هویتی، هویت منفی است و گرنه به معنای واقعی کلمه هیچ‌گاه فرد با بی‌هویتی مواجه نمی‌شود؛ انسان همیشه یک هویتی از خویش‌تن دارد که به لحاظ ارزشی گاه مثبت و گاه منفی است.

چاره آن را در «بازخوانی آموزه‌های دینی و تلاش در جهت فهم درست و کل‌نگرانه آن مطابق با اصول و قواعد معتبر» جستجو کرد.

آنچه در ادامه می‌آید، مباحث مهمی است که ما را در فهم درست نگرش اسلام درباره جوان و جوانی یاری می‌رساند؛ اما پیش از هر چیز باید بدانیم که جوان کیست.

مبحث دوم: جوان کیست؟

دانشمندان و صاحب‌نظران درباره این‌که جوان کیست و دوره جوانی چه محدوده‌ای از عمر آدمی را پوشش می‌دهد، اتفاق نظر ندارند. این اختلاف نظر به اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی نیز کشیده شده است. سازمان ملل متحد، با اذعان به اینکه تعریف زمانی جوان، در مقایسه با کودک یا بزرگسال، در جوامع مختلف به سبب ملیت یا فرهنگ متفاوت است، در جهت دستیابی به اهداف آماری خود، جوانی را بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سالگی قرار داده است.^۱ با این حال باید توجه داشت که «تعاریف جوان در پاسخ به شرایط متغیر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فرق می‌کند و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تصورات و تعاریف از جوان به بیش از ۲۴ سال می‌رسد».^۲ از این رو ترجیح این است که در تعریف جوانی از ملاک سن و زمان صرف نظر کنیم و سراغ ملاک‌های دیگری برویم. ملاک‌هایی همچون: گذر از وابستگی به استقلال، گذر از دریافت‌کنندگی محض خدمات اجتماعی به مشارکت در فرایند تولید خدمات اجتماعی و... در آینده این ملاک، را به تفصیل بیان خواهیم کرد.

در زبان عربی، تعبیرهای گوناگونی ناظر به نوجوان و جوان وجود دارد که از آن جمله می‌توان به «مراهق»، «غلام»، «فتی» و «شاب» اشاره کرد. «مراهق» کسی است که به سن احتلام نزدیک و یا به این سن رسیده است. «غلام» نیز گرچه به سنین پیش از احتلام و حتی بر کودکی اطلاق می‌شود، به فردی که به سن احتلام رسیده و آن را پشت سر گذاشته نیز اطلاق می‌گردد. فتی نیز کسی است که سن احتلام را پشت سر گذاشته و چهره‌اش طراوت یافته است و شاب به کسی گویند که در ۳۰ تا ۴۰ سالگی قرار دارد؛^۳ البته هم در روایات و هم در متون عربی، شواهدی بر خلاف دیده می‌شود؛ برای مثال از امام صادق (ع) نقل

۱. دیوید انجل، ویلیام؛ قانون بین‌المللی حقوق جوانان، ص ۵۹.

۲. وضعیت جهانی جوانان در دهه ۱۹۹۰؛ روندها و چشم‌اندازها، ص ۱۲.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۳۵۱. نیز در این زمینه رک: الحلیبی، احمد بن عبدالعزیز، ثقافة الطفل المسلم، مفهوم‌ها و اساس بناها، باب اول.

شده است: «اذا زاد الرجل علی الثلاثین فهو کهل»^۱ هرگاه سن مردی از سی گذشت، میان سال است».

به هر حال، به نظر می‌رسد بهتر است جوانی را با ویژگی‌هایش بشناسیم. ویژگی‌ها بیان می‌کند فرد در چه مرحله‌ای از عمر خویش به سر می‌برد؛ چنان‌که قرآن کریم از سه دوره مهم زندگی به سه مشخصه ضعف، قوت، و ضعف ثانویه یاد می‌کند که همان کودکی، جوانی و پیری است.^۲ از متون اسلامی دو دسته گزاره درباره جوانی قابل استفاده است: نخست روایاتی که نگاهی هنجاری به دوره جوانی دارد و اهمیت و ارزش این دوره را بیان می‌کند و از این طریق می‌توان به ویژگی‌های دوره جوانی پی برد. دسته دوم روایاتی است که نگاه توصیفی به دوره جوانی دارد و بیانگر ویژگی‌های جسمی، خلقی، روحی و... جوانان است. هر دو نگاه توصیفی و هنجاری ما را در شناخت نگرش اسلام به جوان یاری می‌کند. از مطالعه متون اسلامی می‌توان دریافت که دوره جوانی، از نظر اسلام، از اهمیت و ارزش بسیار بالایی برخوردار است که با هیچ‌یک از دوره‌های دیگر عمر انسان قابل مقایسه نیست. در متون دینی از منظرها و ابعاد گوناگونی به ارزشمندی این دوره از عمر انسان، تصریح یا اشاره شده است و شاید روایاتی که اساساً ناظر به این مرحله از عمر انسان است و یا در مقام بیان اهمیت و جایگاه رفیع این دوره از عمر آدمی می‌باشد، از جهت کمی با روایات ناظر به دیگر دوران عمر انسان قابل مقایسه نباشد. به هر حال، باید دید که روایات اسلامی چگونه ما را به اهمیت و ارزش این دوران توجه داده‌اند و وجوه ارزشمندی جوانی را چگونه معرفی کرده‌اند.

۱. جوان، شیرین‌ترین آفرینش خداوندی

هر یک از موجودات جهان هستی از آن‌جا که مخلوق و آفریده خداوند حکیم و علیم‌اند، ویژگی‌ها و ظرایفی دارند که چشم هر بیننده صاحب خردی را مبهوت و متحیر و غرق تماشای آن می‌سازد و البته این راهی به سوی شناخت آفریننده آن‌ها، یعنی خداوند متعال حکیم و علیم است. کوچک‌ترین موجودات جهان واجد پیچیده‌ترین دستگاه‌ها و اعضای بسیار کوچک اما حیاتی‌اند، به گونه‌ای که افزون بر کوچکی و خردی‌شان، چگونگی چینش آن‌ها نیز انسان را به شگفتی و حیرت وامی‌دارد. افزون بر این امر که خود نوعی زیبایی است، ظواهر پدیده‌های جهان نیز از زیبایی‌هایی برخوردارند که روح انسان را تازگی و

طراوت می‌بخشد، و چنین است که پدیده‌های جهان در نظر انسان «شیرین» می‌آید و با ذائقه روحی او همخوان می‌نماید. بعضی روایات، شیرین‌ترین مخلوقات خداوند را «فرزند جوان» و تلخ‌ترین حوادث را از دست دادن او دانسته‌اند. ابن ابی لیلی از امام صادق(ع) پرسید: شیرین‌ترین مخلوقات خدا کدام‌اند؟ امام فرمود: فرزند جوان. پرسید: تلخ‌ترین کدام است؟ امام فرمود: از دست دادن جوان.^۱

شاید یکی از وجوه این شیرینی این باشد که پدر و مادر با مشاهده توان، قدرت و قامت رعناى جوان خود، امید و تکیه‌گاه بیشتری برای روزهای افتادگی و پیری خود می‌یابند و از این رو، دلبستگی عجیبی به او پیدا می‌کنند؛ به همین جهت داشتن فرزندى جوان، شیرین‌ترین پدیده هستی برای پدر و مادر می‌باشد؛ چنان‌که از دست دادن او نیز برای آنها بسیار تلخ و ناگوار است.

۲. جوانی، فضیلت ناشناخته

در متون اسلامی، افزون بر روایاتی که مضمون آنها ارزشمندی دوره جوانی و از این‌رو، توصیه به غنیمت شمردن آن است، روایاتی وجود دارد که به صراحت از ارزشمندی این دوره و البته عدم درک انسان‌ها از این مهم، سخن می‌گویند. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «شبان لا يعرف فضلها الا من فقدهما: الشباب و العاقبة»^۲ دو چیز است که کسی ارزش و اهمیت آن را نمی‌شناسد، مگر وقتی که آن را از دست بدهد: جوانی و سلامتی». تصریح به فضیلت دوره جوانی تصویری است که در این روایت ارائه شده است. فضیلت داشتن چیزی، افزون بر این‌که بر ارزشمندی نفس آن شیء دلالت دارد، به نوعی ناظر به برتری آن در مقایسه با دیگر امور نیز می‌باشد؛ از این رو، نه تنها جوانی ذاتاً ارزشمند است، بلکه بر دیگر دوره‌های عمر آدمی نیز برتری دارد، و برتری داشتن آن بر دیگر دوره‌های عمر انسان از جهت‌های گوناگونی است که در آینده آن را بازگو خواهیم کرد؛ اما آنچه فی الجمله می‌توان گفت این است که توان بدنی و شادابی و نشاط روحی و روانی و توان فکری انسان در این دوره به حد اعلای رشد خود می‌رسد و شخصیت انسان در پرتو همین رشد تعیین می‌یابد.

از سوی دیگر به تصریح این روایت، جوانی «فضیلت ناشناخته» است؛ به بیان دیگر،

۱. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. آمدی، غررالحکم، ج ۴، ص ۱۸۳، ش ۵۷۶۴.

فضایل بر دو دسته‌اند: فضایل شناخته شده و فضایل ناشناخته، و جوانی از قسم دوم است؛ البته این ناشناختگی برای کسی است که در این دوران بسر می‌برد، وگرنه بزرگسالان که خود این دوره‌گران قدر از عمر خویش را پشت سر نهاده‌اند، می‌دانند که جوانی چه سرمایه ارزشمندی است. بدیهی است این تصویر خود بیانگر تکلیف و وظیفه مریمان در مقام تربیت نیز می‌باشد و آن آشنا کردن جوانان با اهمیت و فضیلت این دوره از عمر است؛ زیرا تا زمانی که این امر ناشناخته باشد، انسان قدر آن را نمی‌داند و آن را به بطالت و بیهودگی می‌گذراند، یا دست‌کم چنان‌که باید و شاید از آن بهره نمی‌برد. روشن است اگر جوان به حال خود رها شود و هیچ‌گونه آگاهی بخشی نسبت به او صورت نگیرد، تنها هنگامی که این فرصت ارزشمند را از دست دهد، درخواهد یافت که چه گوهر گران‌بهایی داشته است.

۳. جوانی، فرصتی مغتنم

در متون اسلامی توصیه‌های فراوانی در پاس داشتن و استفاده بهینه از دوره جوانی و غنیمت شمردن این مرحله از عمر به چشم می‌خورد؛ این توصیه‌ها گاه در قالب رهنمود و پند و اندرز یکی از پیشوایان دین(ع) به اصحاب خاص خویش است و گاه در قالب توصیه‌ای عام و همگانی. در هر صورت، اسلام در بهره‌برداری صحیح از اوقات و لحظات عمر تأکید فراوان دارد و فرصت‌سوزی را به هیچ وجه جایز نمی‌داند، لیکن تأکید خاص بر دوره جوانی، از استعداد و توانایی بسیار بالای انسان و فراهم بودن امکانات لازم برای تعالی و پرواز در آسمان معنویت و خرد و البته وجود لغزشگاه‌ها و خطرهای فراوان در این دوره حکایت دارد؛ به سخن دیگر، جوانی یک دوره با اهمیت و در عین حال پرخطر است؛ زیرا «قدرت و قوت» که وجه غالب و بارز دوره جوانی است و در قرآن کریم نیز بدان تصریح شده،^۱ برحسب این‌که در جهت کدام دسته از استعدادها و گرایش‌ها سمت و سو داده شود، جلوه مثبت یا منفی می‌یابد و می‌تواند سازنده یا مخرب شخصیت انسان باشد. این قدرت، تنها در این دوره از عمر انسان در اوج خود قرار دارد و از این رو، باید اهتمام فراوانی نسبت به آن مبذول داشت. شاید تأکیدهای فراوان پیامبر(ص) و ائمه(ع) به اصحاب خویش در همین نکته نهفته باشد. پیامبر گرامی اسلام(ص) به اباذر غفاری - یار باوفا، جوان و بسیار حساس و

۱. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً (روم، ۵۴).

فعال خویش - می فرماید: «یا اباذر! اغتنم خمساً قبل خمس؛ شبایک قبل هر مک و...»^۱ ای اباذر، پنج چیز را قبل از [آمدن] پنج چیز [دیگر] غنیمت شمار: جوانی‌ات را پیش از پیری و...». نظیر همین توصیه از دیگر امامان(ع) نیز رسیده است: امام علی(ع) می فرماید: «جوانی‌ات را پیش از آن که پیر شوی و سلامتی‌ات را پیش از آن که بیمار شوی دریاب».^۲ امام کاظم(ع) نیز در تفسیر گفتار خداوند در قرآن کریم که می فرماید: «لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛^۳ سهم خود را از دنیا فراموش نکن» می فرماید: «فراموش نکن که سلامتی و نیرو و فراغت و جوانی و نشاطت را در راه آخرت به کار بری».^۴

۴. بهره‌مندی از جوانی، دعای پیامبر(ص)

«دعا کردن» در حق یک فرد، واکنش و پاسخی است به رفتارهای او که در معنای عام آن (در زبان عربی) شامل نفرین نیز می‌شود؛ اما در معنای عرفی، دعا کردن بیشتر برای رفتارهای نیک و پسندیده فرد به کار می‌رود و البته مشوق او در انجام بیش از پیش این گونه کارها نیز می‌باشد. از جمله اموری که در روایات بسیار بر آن تأکید شده است، دعا کردن در حق خود و دیگران همراه با رعایت ادب دعاست. از جمله آموزه‌های گرانسنگی که در متون دینی درباره آموزش شیوه دعا کردن و ادب و محتوای دعا به ما رسیده، این است که برخی پیشوایان معصوم(ع) در مقام دعا کردن برای برخی اصحاب خود، از خداوند می‌خواسته‌اند که او را از فرصت جوانی بهره‌مند سازد و او را از این نعمت بی‌نصیب نگرداند! برای مثال، پیامبر اکرم(ص) در حق یکی از اصحاب جوان خود به نام عمرو بن خزائلی که برای پیامبر(ص) آب آورد و آن حضرت(ص) از آن آب نوشید، فرمود: اللهم امتعه بشبابه؛^۵ خدایا او را از جوانی‌اش بهره‌مند ساز». در اثر این دعای خیر پیامبر(ص)، عمرو تا هشتادسالگی از روحیه جوانی برخوردار بود، به گونه‌ای که در دوران امامت پیشوای نخستین شیعیان، از جمله خواص اصحاب آن حضرت به شمار می‌رفت و سرانجام به دست دژخیمان معاویه دستگیر شد و به شهادت رسید و سرمقدس او را به عنوان هدیه پیش معاویه بردند!

بدون شک انسان در دوره جوانی از توانایی‌ها، امکانات و استعدادها قابل توجهی برخوردار است که پیامبر(ص) از خداوند توفیق بهره‌برداری از آن را برای کسی مانند عمرو

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۷، روایت ۳. ۲. آمدی، غررالحکم، ج ۱، ص ۳۴۰.

۳. قصص، ۷۷. ۴. حکیمی، محمدرضا، الحیة، ج ۳، ص ۳۶۶.

۵. قمی، عباس، سفینة البحار، ج ۲، ص ۲۶۰.

درخواست می‌کند. در نقطه مقابل، جوان مرگی و عدم درک این دوره جذاب و زیبای زندگی نیز از جمله عذاب‌های خداوندی در مقابل برخی افعال ناپسند انسانی است و تهدید یا نفرین به عدم بهره‌مندی از جوانی، از ارزش و اهمیت این دوره برای آدمی حکایت دارد. پیامبرگرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «من لم يتورع في دين الله ابتلاه الله تعالى بثلاث خصال: اما ان يميتها شابا او يوقعه في خدمة السلطان او يسكنه في الرساتيق؛^۱ هر کس پارسایی [لازم] در دین خداوند را نداشته باشد، خداوند او را به سه خصلت گرفتار می‌سازد: او را در سنین جوانی می‌میراند، یا او را در خدمت سلطان قرار می‌دهد، و یا سکونت در روستا را نصیب وی می‌سازد».^۲

۵. جوان دیندار، مایه فخر و مباهات خداوند

در میان انبوه بندگانی که به عبادت خداوند مشغول‌اند، خداوند به قشر جوان عابد بر ملائکه خویش مباهات می‌کند^۳ و این صرفاً نشان‌دهنده اهمیت عبادت نیست، بلکه از اهمیت عبادت در این دوره و ارزش و اهمیت این دوره حکایت دارد؛ به همین جهت، جوانی که دوران جوانی خویش را به عبادت خداوند می‌پردازد، هیچ‌گاه با کسی که در سنین پیری به عبادت مشغول شده است، برابر نیست، به گونه‌ای که حتی در روایتی برتری جوان عابد بر بزرگ‌سالی که در پیری رو به عبادت آورده است، به مانند برتری پیامبران بر سایر مردم دانسته شده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «فضل الشاب العابد الذي تعبد في صباه على الشيخ الذي تعبد بعد ما كبرت سنة كفضل المرسلين على سائر الناس»^۴ برتری جوان عابدی که در عنفوان جوانی به عبادت پروردگار روی آورده است، بر پیری که پس از رسیدن به بزرگ‌سالی عبادت را پیشه خود ساخته است، مانند برتری پیامبران بر سایر مردم است».

۶. جوانی آغاز دوره تکلیف و مسئولیت‌پذیری

آنچه از متون اسلامی استفاده می‌شود این است که با شروع دوره جوانی، مسئولیت‌پذیری انسان نیز شروع می‌شود. پیش از آن و در سنین نوجوانی به اعتقاد برخی فقها تکالیف الهی

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۵۶.

۲. چون در روستاها معمولاً امکانات علم، فرهنگی و رفاهی ندارند و امکان پیشرفت در آنها فراهم نیست؛ از این رو، سکونت در روستا برای انسان نوعی محرومیت محسوب می‌شود.

۳. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۷۷۶، ش ۴۳۰۵۷.

۴. همان، ش ۴۳۰۵۹.

متوجه انسان می‌باشد، ولی بازخواستی از او در قبال عدم انجام آن‌ها و در نتیجه، مؤاخذه و عقوبتی در کار نیست. این امر نشان می‌دهد که در دوره جوانی، فرد صلاحیت آن را یافته که به طور جدی مخاطب تکالیف و سخن الهی قرار گیرد و شخصیت او آن قدر رشد یافته که در آستان ربوبی از او به عنوان «مکلف» پذیرایی شود. در واقع بزرگ‌ترین حادثه در فرایند رشد و تربیت دینی انسان در این دوره رقم می‌خورد و لباس فاخر و گران قدر بندگی به طور رسمی و با تکالیف و مسئولیت‌های ویژه، در این دوره بر تن فرد پوشانده می‌شود؛ از این رو، پاس داشت آن حایز توجه و اهمیت است.

«سید بن طاووس» در این زمینه به فرزندش می‌نویسد: «فرزندم، محمد! هنگامی که خداوند تو را به شرف عقل مفتخر گردانید و تو را شایسته همنشینی و گفتگو با خود و حضور در پیشگاه اقدسش دانست، این هنگام را یادداشت کن و آن را برترین و بهترین عیدها بدان و سال‌گشت تکلیف را جشن بگیر و خدای را سپاس گوی که گوهر عقل را به تو هدیه کرده است».^۱ تکلیف و مسئولیت‌پذیری جوان خود بیانگر پدیدآیی نوعی تحول روحی، روانی، عقلی و نیز جسمی در فرد است که این دوره از عمر را بر دوره‌های دیگر برتری داده است. در روایات به این تحول روانی و روحی اشاره شده است؛ برای مثال، حضرت علی(ع) می‌فرماید: «تجب الصلاة علی الصبی اذا عقل و الصوم اذا اطاق و الحدود اذا احتلم»^۲؛ بر کودکان هنگامی که به ادراک عقلی برسند، نماز واجب می‌شود و آن‌گاه که توانایی بدنی بیابند، روزه و آن‌گاه که محتلم شوند، حدود واجب است».

۷. پرسش ویژه از دوره جوانی در روز واپسین

از انسان در روز قیامت درباره چگونگی سپری کردن عمرش، به‌ویژه از دوره جوانی می‌پرسند. برخی روایات دست‌کم از دو گونه پرسش در روز واپسین خبر می‌دهند؛ نخست این‌که انسان عمر خویش را چگونه سپری کرده است و دوم این‌که دوره جوانی را چگونه گذرانده و صرف چه کاری کرده است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «ان العبد لاتزول قدمه یوم القيمة حتی یسأل عن عمره فیها افناه و عن شبابه فیما ابلاه»^۳ روز قیامت بنده از قدم بر نمی‌دارد مگر این‌که از او پرسیده می‌شود عمر خود را در چه فنا کردی و جوانی خود را صرف چه نمودی؟»

۱. ابن طاووس، کشف المحجّة لثمره المهجّة؛ ص ۱۴۲، به نقل از محمدی ری‌شهری، محمد، جشن تکلیف، ص ۱۶.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۳۲. ۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹۰.

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «از موعظه‌های لقمان به فرزندش این بوده است که یا بنیّ و اعلم انک ستسأل غدا اذا وقفت بین یدی اللّٰه عن اربع: شبایک فیما ابلیته و عمرک فیما افنیته و مالک مما اکتسبته و فیما انفقته؛^۱ پسرم، بدان که فردا در پیشگاه خداوند از چهار چیز از تو خواهند پرسید: جوانی ات را در چه گذراندی، عمرت را مصروف چه داشتی و مالت را از چه راهی به دست آوردی و در چه راهی خرج کردی؟»

آنچه از این روایات در اهمیت دوره جوانی فهمیده می‌شود، این است که این‌گونه پرسش به منزله قرارداد دادن جوانی در عرض دوره عمر آدمی است؛ گویا تمامی عمر انسان به یک طرف و دوره جوانی او نیز به طرف دیگر!

۸. خوب‌ها و خوبی‌ها در چهره جوانی

از اموری که ارزش و اهمیت جوانی را در فرهنگ اسلام و آموزه‌های اسلامی برای ما آشکار می‌کند، ترسیم نوعی تقارن بین «خوبی» و «جوانی» در متون دینی است که از نگرش مثبت اسلام به جوانی حکایت دارد. خوبان، جوان چهره‌اند و در روز واپسین، خوب‌ها و خوبی‌ها به صورت جوان نمودار خواهند شد. ممکن است این امر به جهت طراوت و دلنشینی چهره جوانی برای انسان‌ها باشد، ولی تأملی بیشتر ما را به تصدیق این معنا می‌رساند که تنها چهره، عامل دلربایی و دلکشی جوانی نیست، بلکه سرشت پاک و بی‌آلایش و دور از نفاق و دورویی جوانی و سخت‌کوشی و سرزندگی و نشاط و شادابی است که چهره‌ای زیبا و دلنشین از جوانی در خاطره‌ها زنده می‌کند؛ از این رو، در قیامت خوبان در چهره جوانان ظاهر می‌شوند و خوبی‌ها نیز در قالب جوانان آراسته بر خلق محشر پدیدار می‌گردند. در روایات آمده است:

— امام حسن و امام حسین(ع) بزرگ جوانان اهل بهشتند.^۲

— امام زمان(عج) در چهره یک جوان ظاهر خواهد شد^۳ و یاران امام زمان(عج) همه جوان هستند.^۴

— خداوند تمام پیامبران را در جوانی به پیامبری برانگیخته است.^۵

— قرآن در روز محشر به صورت یک جوان نشان داده می‌شود.^۶

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۳۵.
۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰، روایت ۵۹۲۰.
۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.
۴. همان، ۳۴۴.
۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۷۵، ش ۳۲۲۳۳.
۶. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۰۳.

- تمام بهشتیان جوان خواهند بود.^۱
- کارهای خوب و پاداش خوبی‌ها در قیامت در چهره حورالعین و غلامان زیبا نمایان می‌شوند.^۲

۹. جوانان خوش خلق گنج‌های نهفته اجتماع

اگر تا چند دهه گذشته، توجه برنامه‌ریزان و مدیران بخش‌های مختلف حکومت، در هر جامعه‌ای، تنها به منابع غیرانسانی و مادی بود، امروزه منابع و سرمایه‌های انسانی بیشتر از منابع غیرانسانی مورد توجه است؛ البته این امر هنوز هم چنان‌که باید و شاید، جایگاه خویش را نیافته است. در این میان، توجه به جوانان به عنوان مدیران و برنامه‌ریزان فردای هر اجتماع که سرنوشت میان‌سالان و بزرگ‌سالان امروز نیز با اندیشه و عمل آنان پیوند می‌خورد، دارای اهمیت است؛ از این رو، برنامه‌ریزی برای جوانان به منزله برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از منابع عظیم انسانی در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های اجتماعی و تأمین حساب شده آینده جوامع تلقی می‌شود. در متون اسلامی به این نکته بسیار توجه داده شده است که اولاً: هیچ منبع و سرمایه‌ای با سرمایه‌های انسانی برابری نمی‌کند، و ثانیاً: سرمایه‌های انسانی نیز تنها به نیروی بدنی آن‌ها محدود نمی‌شود، بلکه گاه کم‌ترین امور از نظر ما در حقیقت با ارزش‌ترین منابع می‌باشند؛ برای مثال، فرصت‌ها و لحظه‌های عمر یک انسان از جمله با ارزش‌ترین منابع است و از این رو، حتی ایام فراغت نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که به نوعی تأمین‌کننده سعادت فرد و جامعه باشد. در این میان، جوانان و دوره جوانی در متون دینی به عنوان منابعی بی‌بدیل و بسیار ارزشمند مطرح شده‌اند که برنامه‌ریزی صحیح برای آنان می‌تواند جامعه‌ای را بیمه کند. جوانان گنج‌های بسیار ارزشمند یک اجتماع به شمار می‌آیند، به گونه‌ای که اگر تربیت جوانان با موفقیت همراه باشد، در خوشی و سعادت به روی اجتماع گشوده می‌شود و اگر خدای ناخواسته این مسئله با بی‌توجهی همراه شده و خلق و خو و رفتار جوانان با هنجارها و معیارهای دینی زیاد فاصله بگیرد، بدبختی نصیب جامعه خواهد شد. در روایتی، امام صادق(ع) جمله‌ای از ورقه بن نوفل نقل می‌کند که بیانگر ارزش و اهمیت این کلام در نزد امام(ع) است. جمله از این قرار است: «ان الشاب الحسن الخلق مفتاح للخیر و مغلاق للشر و أنّ الشاب الشحیح الخلق

مغلاق للخیبر مفتاح للشر^۱؛ به درستی که جوان خوش اخلاق کلید هر نیکی و قفل هر بدی است و جوانِ بد اخلاق قفل هر نیکی و کلید هر بدی است».

مرحوم مجلسی در کتاب ارزشمند بحارالانوار که مجموعه روایات پیشوایان دینی است، داستان جالبی را نقل کرده است که به لحاظ ارتباط آن با این مبحث، به اختصار بیان می‌شود: حضرت عیسی (ع) با اصحاب خاص خود در حال سیاحت بودند که گذارشان به شهری افتاد، و در نزدیکی شهر دفینه‌ای را یافتند. اصحاب از حضرت خواستند اجازه دهد گنج را جمع‌آوری کنند تا بیهوده از بین نرود. حضرت فرمود: نزد این گنج باشید تا من داخل شهر شوم و گنجی را که می‌شناسم، به دست آورم. عیسی (ع) وارد شهر شد، به مخروبه‌ای رسید که پیرزنی داخل آن بود، از او اجازه خواست که شب را در آن جا استراحت کند و از او پرسید: آیا کسی را داری؟ پیرزن پاسخ داد: آری، پسری دارم که روزها در بیابان خار می‌کند و از دسترنج او استفاده می‌کنیم. شبانگاه که پسر جوان آمد، مادرش به او گفت: به گمانم امشب مهمان ارجمندی داریم، فرصت را غنیمت شمار و از محضر او استفاده کن. جوان نزد حضرت آمد. گفتگوهای بین آن دو صورت گرفت. آن حضرت از وضع معاش ایشان پرسید و جوان پاسخ داد. حضرت دریافت که جوانی هشیار و بافراست است، گرچه در دل مشکلی نیز دارد؛ زیرا عاشق دختر پادشاه شده بود! ولی با این وضعیت اقتصادی و اجتماعی امکان ازدواج برایش فراهم نبود. حضرت فرمود: اگر بخواهی می‌توانم وسایل ازدواج تو را فراهم آورم... بالأخره جوان پس از مشورت با مادر پذیرفت. حضرت فرمود: فردا نزد پادشاه برو و دخترش را خواستگاری کن، هر چه خواست بیا از من بگیر.

صبح‌گاه روز بعد جوان وارد قصر شد و با نزدیکان پادشاه درخواست خود را مطرح کرد... وقتی پادشاه از خواسته جوان آگاه شد، برای آن‌که او را رد کند، سنگ بزرگی جلوی پایش گذاشت و به او گفت که باید فلان مقدار جواهرات برایم بیاوری!

جوان خدمت حضرت عیسی (ع) رسید و ماجرا را برای آن حضرت بازگو کرد. حضرت او را به خرابه‌ای برد که سنگریزه‌های فراوانی داشت، دعایی کرد و از خداوند خواست سنگریزه‌ها به جواهرات تبدیل شود و چنین شد. جوانِ خارکن مقدار جواهرات مورد درخواست پادشاه را برداشت و پیش او برد؛ پادشاه در شگفت ماند و برای مرتبه دوم درخواست خود را تکرار کرد و جوان سراغ آن حضرت آمد و باز همان قضیه تکرار شد.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۴۴۶.

پادشاه از جوان حقیقت را جويا شد و جوان داستانِ عاشقی خود و بازگکردن آن برای میهمان خویش را مطرح کرد. پادشاه فهمید که میهمان او حضرت عیسی(ع) است. به جوان گفت برو همان میهمان را بیاور تا بین تو و دخترم عقد کند.

مراسم عقد و عروسی انجام شد؛ اما دوسه روزی نگذشت که پادشاه از دنیا رفت و چون وارثی جز آن دختر نداشت، پادشاهی به جوان تازه داماد رسید. حضرت عیسی(ع) برای خداحافظی نزد شاه جدید آمد. جوان از حضرت پرسید: ای حکیم، از شما پرسشی دارم که اگر پاسخ آن را ندهی، این همه نعمت که به وسیله شما برایم فراهم آمده، ناگوار و تلخ خواهد شد. حضرت فرمود: بپرس. جوان عرض کرد: در این اندیشه‌ام که شما با چنین نیروی خارق‌العاده چرا نسبت به خود هیچ کاری نمی‌کنید و با این سرو وضع زندگی می‌کنی؟! حضرت فرمود: کسی که معرفت به خداوند و نعمت جاویدان او داشته باشد، هیچ‌گاه دل و آرزو به این دنیا نمی‌بندد؛ مقام قرب خداوندی لذت‌های روحی فراوانی دارد که با لذت تاج و تخت و سلطنت قابل قیاس نیست، و از این گونه امور برای جوان گفت. جوان گفت: پرسش دیگری دارم: چرا آنچه با ارزش بود، برای خود خواستی و من را به این امور پست مبتلا کردی؟ حضرت فرمود: می‌خواستم عقل و فهم تو را بسنجم؛ در ضمن، اگر این مقام را واگذاری به درجات والاتری خواهی رسید که زندگی‌ات برای دیگران نیز مایه عبرت خواهد بود.

جوان همان دم از تخت پادشاهی به زیر آمد، لباس‌های پیش از پادشاهی خویش را پوشید و همراه با حضرت از شهر خارج شد. وقتی به اصحاب رسیدند، حضرت عیسی(ع) به آن‌ها فرمود: «هذا کنزی الذی اظنه فی هذا البلد فوجدته؛ این همان گنجی است که در این شهر گمان آن را داشتم و سپس آن را یافتم».^۱

آری، جوانان گنج‌ها و سرمایه‌های حقیقی هر اجتماع‌اند که اگر هدایت و تربیت ایشان به درستی انجام گیرد، از آنان بهره‌برداری صحیح خواهد شد و با هیچ سرمایه دیگری قابل قیاس نیستند.

۱۰. جوان، مشمول لطف و رحمت خداوند

با رسیدن به سن بلوغ و ورود به دوره جوانی، دوران مسئولیت انسان آغاز و در قیامت، از

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۸۰.